



### فیلسوف پراگماتسیت و ایران

۲۰ ژوئن سال ۱۹۵۱ که ایرانیان سرگرم مبارزات برای ملی کردن نفت خود و مبارزه با انگلستان بودند، جان دوی فیلسوف پراگماتسیت آمریکایی و صاحب فلسفه «پراگماتیسم» به حمایت از تلاش‌های دموکراتیک مردم ایران برخاست در سخنرانی‌هایی انجام‌امین نوع تلاش‌ها را «حق» هر ملتی دانست.

## دین عامه و راه‌های رسیدن به خدا

### ■ گفتاری از سارا شریعتی

نخبگان فکری جامعه ما، آنها که به حوزه دین و دینداری پرداخته‌اند، ظاهراً به اجماع اعلان تشددهای دست یافته‌اند. اجماع بر سر اهم مسائل فکری که امروزه در حوزه دین و دینداری، جامعه ما با آن درگیر است؛ مدرنیته، سکولاریزاسیون، لائسیته، روشنفکری دینی و غیر دینی، هرمنوتیک، الهیات انتقادی و کلام جدید، مواضع البته متفاوت است و گاه متضاد اما بر سر اهم مسائل، ظاهراً تردیدی نیست.

در این میان اما، یک جای خالی هست. یک غایب. یک غایب خاموش که نمی‌تواند سهم خود را بگیرد و سخنگویانش اغلب فراموشی می‌کنند و آن عامه مردمی، می‌گویم سخنگویان، به این دلیل که نخبگان عامه را در همه روزه‌ها، بی‌سختی و بی‌دردی، در حضور و غیبت، در آغوش مدرنیسم در هنر، این بار گشت به فیگوراسیون ساده و عامیانه و توجه به واقعیتهای روزمره و پست که همواره مورد تحقیر نخبگان بود، جامعه هنری را سربور بریز کرد. توجه به زندگی روزمره در جامعه‌شناسی، آنال در تاریخ، فولکلور در علوم اجتماعی… نیز مربوط به همین دوران است.

این گرایش، تحت تاثیر عواملی بود که از آن میان، چندعامل اهمیت بیشتری دارند؛ موقعیت جدید جامعه شناسی دین و تحقیقاتی که در این حوزه انجام شده بود و جامعه شناسان دین را دعوت می‌کرد تا به جای پژوهش‌های مفصل در خصوص دین و علوم دینی، دین زست شده متن مردم را موضوع مطالعه خود قرار دهند، اصلاحات مذهبی در شورای واتیکان II، که در سال‌های ۶۰ میلادی با هدف مدرنیزاسیون کلیسای کاتولیک، گشایش کلیسا به سوی دیگر کلیساهای مسیحی و تقریب(œcumunism) انجام شد، ظهور مکتب آنال (Annales)، و تاریخ جدید، فرو تاریخ (infra-histoire)، و تاریخ خرد (micro-psychole) و روانشناسی اعصاب (psychologie des profondeurs) که در نتیجه دستاوردهای روانشناسی فریود و یونگ بود و توجهات را به اعماق پنهان انسان و ناخودآگاه فردی و اجتماعی معطوف کرد و نظریه‌پردازان علوم اجتماعی را به سمت آنچه که ژیلبرت دوران جامعه‌شناسی اعصاب خواند، دعوت می‌کرد. تحت تاثیر این عوامل، جلسات و برنامه‌های بسیاری در خصوص دین برگزار شد و تاریخ، علوم اجتماعی (جامعه و انسان‌شناسی)، روانشناسی و تاریخ ادیان را به مشارکت خواند. اولین گام در این حوزه، ارائه تعریفی از دین عامه بود. دین عامه چیست؟

در تعریف دین عامه، سه رویکرد از یکدیگر متمایز شدند: اولین رویکرد، تعریف دین عامه در رابطه و نسبتش با دین رسمی، راست‌گیشی (orthodoxy) و راست‌کرداری (orthopraxy) بود. در این رویکرد، دین عامه، دین زیست‌شده‌متن مردم، به‌عنوان انحرافی از دین حق و دین اصلی قلمداد می‌شد و باری منفی می‌یافت. آگوستن قدیس و سیس توماس قدیس، دین عامه را با اهریمن‌شناسی (demonology) پیوند داده و در برابر خداشناسی (theology) قرار دادند، در نتیجه در همه دوران‌های قرون وسطی، کلیسا با دین

نیز، در برابر رشد باورهای عامیانه، خرافه و جادو و شمایل‌پرستی و منح… هشدار دادند و با نزدیک شدن مراسم مذهبی عاشورا و تاسوعا، این هشدارها اهمیت بیشتری یافته است. در نتیجه شاید ضرورت داشته باشد که این مدار سنت روشنفکری را کمی باز کنیم و به زیست اجتماعی و حیات فکری مردم، توجهی مجدد داشته باشیم.

در حوزه علوم انسانی، تحقیقات روی دین عامه از سال‌های ۶۰ میلادی مشخصاً در فرانسه و ایتالیا طرح شد و در همه رشته‌ها کم و بیش به‌وجود آمد. در هنر بساط آرت مربوط به همین دوره بود. هنرمندانی که تصاویر روزمره تبلیغات، سینما تلویزیون را از جامعه گرفتند، به اثر هنری تبدیل کردند و به شاخص‌ترین گالری‌های هنری فرستادند. در اوج مدرنیسم در هنر، این بار گشت به فیگوراسیون ساده و عامیانه و توجه به واقعیت روزمره و پست که همواره مورد تحقیر نخبگان بود، جامعه هنری را سربور بریز کرد. توجه به زندگی روزمره در جامعه‌شناسی، آنال در تاریخ، فولکلور در علوم اجتماعی… نیز مربوط به همین دوران است. این گرایش، تحت تاثیر عواملی بود که از آن میان، چندعامل اهمیت بیشتری دارند؛ موقعیت جدید جامعه شناسی دین و تحقیقاتی که در این حوزه انجام شده بود و جامعه شناسان دین را دعوت می‌کرد تا به جای پژوهش‌های مفصل در خصوص دین و علوم دینی، دین زست شده متن مردم را موضوع مطالعه خود قرار دهند، اصلاحات مذهبی در شورای واتیکان II، که در سال‌های ۶۰ میلادی با هدف مدرنیزاسیون کلیسای کاتولیک، گشایش کلیسا به سوی دیگر کلیساهای مسیحی و تقریب(œcumunism) انجام شد، ظهور مکتب آنال (Annales)، و تاریخ جدید، فرو تاریخ (infra-histoire)، و تاریخ خرد (micro-psychole) و روانشناسی اعصاب (psychologie des profondeurs) که در نتیجه دستاوردهای روانشناسی فریود و یونگ بود و توجهات را به اعماق پنهان انسان و ناخودآگاه فردی و اجتماعی معطوف کرد و نظریه‌پردازان علوم اجتماعی را به سمت آنچه که ژیلبرت دوران جامعه‌شناسی اعصاب خواند، دعوت می‌کرد. تحت تاثیر این عوامل، جلسات و برنامه‌های بسیاری در خصوص دین برگزار شد و تاریخ، علوم اجتماعی (جامعه و انسان‌شناسی)، روانشناسی و تاریخ ادیان را به مشارکت خواند. اولین گام در این حوزه، ارائه تعریفی از دین عامه بود. دین عامه چیست؟

## به مناسبت ۱۰۴سالگی ژان پل سارتر مقصر سارتر است

■ **خارج از اخطار و اتهام‌های سیاسی، آنچه اساسا سارتر را مورد سرزنش قرار می‌دهد این است که تنها می‌اندیشد**

- **ژان، پل دوله / ترجمه: سیمیه نوروزی**



قطعی و مورد قبول است، هیچ‌کس از اعتراضی ندارد بر اینکه «سوسیالیسم موجود» بر توتالیترایسم مسلط است. آیا این بدان معنی نیست که سارتر در فی‌نفسه اشتباه می‌کرد، چرا که در نزاع مقابل جنگ‌های استعماری در هند و چین، الجزایر، در موضع گرفتن هایش به نفع کارگران و در مقابل کارفرمایان، در حمایت از جریان‌ها مه ۱۹۶۸، او بیشتر در قالب یک چپ افراطی ظاهر شد تا راست‌آزادبخوا؟ اینکه او هیچ‌گاه در بی‌سی‌اف نام‌نویسی نکرده و با وجود اظهاراتش مبنی بر اینکه مارکسیسم در عصر ما اقلی است عبورناپذیر، همیشه با انتالیلیسم مبارزه کرد قضاوت را از یک سمت به سمتی دیگر سوق می‌دهد، سارتر=انحراف از توتالیترایسم. آیا در این سه موقعیت تاریخی باید بذریفت که تنها حق با آنهایی است که در همان گذشته، نسبت به آینده‌نچندان دور آن زمان، قضاوت درست‌تری داشتند؟ آیا باید به دفاع از حکومت فرانسه برخاست، یا دست کم پیشنهاد یک جریان آرام از استعمار به استقلال را داد، چرا که همسو شدن با جنگ‌های آزادی ملی، پیشاپیش، دیکتاتوری را در برابر خیل عظیمی از وقایع توجیهی می‌کند، گسترش حکومت روسیه، کشتار پناهندگانی که با کشتی



### گردهمایی کمونیست‌ها در لندن

نخستین گردهمایی کمونیست‌ها که در آن «کارل مارکس» و «فریدرک انگلس» نیز شرکت داشتند ۱۹ ژوئن سال ۱۸۴۷ در لندن برگزار شد و مبنای تشکیل احزاب کمونیست قرار گرفت.
ماحصل این نشست انتشار کتاب مانیفست کمونیست توسط مارکس و انگلس بود که یک‌سال بعد انتشار یافت.



حالی که مجموعه دینی که بدان تعلق داشته است، از بین رفته است. دین عامه، تفکیک گذار نبود. دینی که قدسی و غیر قدسی در فرامی‌گشتند و قدسی در زمان مقدس و مکان مقدس و شی‌ی مقدس تجلی می‌یافت. مقدس و «مراحل گذار» خواندند: تولد، بلوغ، ازدواج و مرگ. دینی که در همه نقاط عطف زندگی مردم، با آنها همراه است. دین عامه را، دینی با واسطه دانستند. دینی که در حاشیه زندگی می‌کند. به مرکز و گوهر دین، که اندیشه خدایت و کتاب مقدس و سنت پیامبر، تنها با واسطه نزدیک می‌شود، با واسطه نمایندگان دین، قدسیین، ائمه و از این روست که در حیات دینی مردم، واسطه‌ها حضور عینی‌تری دارند. در نتیجه در آنچه

که‌هزاری کرین «پارادوکس توحید» (در میانه تعطیل و تشبیه) می‌نماید، دین عامه به تمسبه نزدیک می‌شد و به جای مفاهیم، با تصاویر، آیگون‌ها شمایل سر و کار داشت. دین عامه دینی ترکیبی تحلیل می‌شود. دینی که خالص نیست چون دین گسست‌نیست. دین تداوم و انبساط سنت است. چنانچه، مسیحیت اروپایی با آیین و کیش‌های مدیترانه‌ای و سلتی در آمیخت، دین عامه مردم چین، محصول کنفیوسیوسیم، تائوسیم و بودیسم است. مسیحیت آفریقایی، مقلم‌های از آیین آفریقایی و پروتستانتیزم آمریکایی است که از آن تحت عنوان Afro-American نام می‌برند. ششتنو بودیسم، دین عامه مردم ژاپن را می‌سازند. چرا که، همچنان که دور‌گهیم می‌گویید: یک دین به یک آیین واحد تقلیل نمی‌یابد بلکه یک سیستم آیین‌هاست که دارای خودمختاری نسبی هستند و به این دلیل هست که گاه یک آیین به دلایل مختلف باقی می‌ماند در

دموکراسی افراطی‌تری در امور اجتماعی و اخلاقی هستند؛ هم بیمل‌هایی هوشیار یا غریب‌ک‌های خیمه‌شهبازی در دستان دیکتاتورها، حاکمان مستبد یا پدرازی عزیز و کوچک برای مردم. در این شرایط برتری نظریه لیبرال بر نظریه انتقاد، قابل تصور است؛ لکه‌دار کردن موقعیت مبتدان بقدرت تنها فاش سازنده جهنم نظریه‌ها، در بهترین حالت، تردستی علم بلاغت و معانی را می‌رساند. در بدترین حالت قهقمازی روشنفکری را، اکنون، با توجه به آنچه گفته شد، با یادآوری آموزه‌های گذشتگان تاریخ و سنگتیری‌های فنی‌برای سلب صلاحیت از سارتر و بدنام کردن او می‌توان مجسمه‌ای از آرون بنا کرد. یکی نماد عینیت و اغماض، دیگری شکل‌دهنده عقاید شر و تعصب «ماورائی».

در واقع، خسارج از اخطار و اتهام‌های سیاسی، آنچه اساسا سارتر را مورد سرزنش قرار می‌دهد، این است که تنها می‌اندیشد. آنچه او در رد نظریه «فرآ-ایدئولوژیسم» مورد توجه قرار داده، تمرین فلسفه است، یعنی انتخابی آزاد برای قضاوت درباره انسان و جهان، نه از نقطه‌نظر یک دانش همه‌جانبه، بلکه در مقیاس یک میل به حقیقت و درک عملی باشد یا نه. خلاصه اینکه، برای سارتر، جهان و دیگران مهم نیست، بلکه موقعیتی است که از طریق آن می‌تواند تمریناتی انجام دهد تا دوباره در تاریخ جای خود را بازیابد. سارتر همچون قهرمان «هسته‌های آلوده‌اش» از تمامی امکانات برای ارائه بغضی کینشاش استفاده می‌کند. در چنین شرایطی باید گفت با ولتر و روسو، «مقصر» سارتر است.

منبع: **مگزین لیته‌ر**



### تولد ژان پل سارتر

۲۱ ژوئن رانروز ژان پل سارتر فیلسوف و نویسنده فرانسوی است که در سال ۱۹۰۵ متولد شد و ۷۵ سال عمر کرد. «سارتر» از اصحاب فلسفه اگزیستانسیالیسم است که به عنوان یک روشنفکر چپ‌گرا در مبارزات مردمی فرانسه همواره دانشجویمان و معترضان به جنگ ویتنام بود.

#### گزارش

### نویسنده ایتالیایی برنده جایزه صلح آلمان



«کلودیو ماگریس» نویسنده ۷۰ ساله ایتالیایی به عنوان برنده جایزه صلح بازار کتاب سال ۲۰۰۹ کشور آلمان شناخته شد. این جایزه که نخستین‌بار در سال ۱۹۵۰ اهدا شده، ۲۵ هزار یورو ارزش دارد. هیات داوران این محقق، روزنامه‌نگار و نمایشنامه‌نویس را به خاطر پرداختن وی سه موضوعاتی همچون زندگی مشترک و فعالیت مشترک در فرهنگ‌های مختلف در آناژس، شایسته دریافت این جایزه معرفی کرد. «ماگریس» در جابسداری از قاره اروپا این قره را نه فقط استنباط واحد دست یافته، بلکه از نظر تاریخی، سلیقه فرهنگی و تنوع آن، مورد توجه قرار داده و بر این مساله اصرار می‌ورزد. «کلودیو ماگریس» در سال ۱۹۲۹ در شهر بندری «تریسنته» ایتالیا دیده به جهان گشود. وی از معروف‌ترین زبان‌شناسان و روزنامه‌نگاران فرهنگی ایتالیا و نیز از مقاله‌نویسان سرشناس قاره اروپاست. «ماگریس» پیش از این پرفسور زبان و ادبیات آلمانی دانشگاه «تریسنته» و نیز مسوول ترجمه آثار بسیاری از نویسندگان آلمعی چون «ژوزف راس»، «رئور اشتینسر» و «جورج بوشتر» به زبان ایتالیایی بوده است. اما «ماگریس» در ایتالیا بیش از هر چیز در مقام مقاله‌نویس در مورد موضوعات مربوط به سیاست داخلی و خارجی موضوعی می‌کند. وی در سال ۲۰۰۷ با همکاری «پومرتو آکو» و چندین شخصیت فرهنگی و هنری دیگر انجمنی با عنوان «زادی و عدالت» را بنا نهاد که این انجمن موضعی انتقادی نسبت به سیاست‌های دولت «سیلیویو برلوسکونی» دارد.

#### کتابخانه

### خاطرات مامور اف.بی.آی



یک مامور سابق اف‌بی‌آی‌ای جریان‌ها و حوادث دوران مامور بودن خود را در قالب کتاب منتشر کرد. «جیمز بوتینگ» که مدت ۲۵ سال از اوایل دهه ۱۹۷۰ تا اواسط دهه ۱۹۹۰ مامور اف‌بی‌آی‌ای بوده، در کتابی با عنوان «گولدها، بمب‌ها و مذاکرات سریع. ۲۵ سال داستان جنگ‌های اف‌بی‌آی‌ای» سوابق خود را حضور در اف‌بی‌آی و پرونده‌های مختلف را در قالب یک کتاب جذاب منتشر کرد. «شمان دروم» مسوول انتشاراتی که کتاب بوتینگ را منتشر کرده با اشاره به اینکه درخواست‌های زیادی برای چاپ خاطرات داشته که آنها را رد کرده، کتاب «گولدها، بمب‌ها و مذاکرات سریع» را شگفت‌آور توصیف کرده است. بوتینگ که مدتی هم رئیس پلیس منطقه ونچیسورا کانتزی بوده، نقش خود را در بسیاری از وقایع که در آمریکا جنبه ملی پیدا کرده را بیان می‌کند که جریان گروگانگیری ۵۱ روزه «اکو» و داستان فرقه دیوبندیان در سال ۱۹۹۲ و جریان ربهده شدن «پاتریسیا هیرست» روزنامه‌نگار در دهه ۱۹۷۰ توسط ارتش آزادبخواه سالیبیتینو از آن جمله است. نویسنده در کتاب خود به ترور «ماکوس فوستر» اولین مشاور سیاه‌پوست مدرسه محلی اورکلند در سال ۱۹۷۳، جریان کشته شدن «روبی ریچ» توسط «آرندی ویور» و «جودن وند کنی» در سال ۱۹۷۲ اشاره می‌کند که طی آن اعضای جنبش هندی‌های آمریکایی، ۷۱ روز شهر «وند کنی» را به تسخیر خود در آوردند. او در بخشی از کتاب خود آورده است که هیچ تمایلی به نوشتن این مطالب نداشت و فقط تاکیدهای همسرش باعث شده حوادث ۲۵ سال حضورش در اف‌بی‌آی را بنویسد تا سفر زندانش باندن بر آنها در اف‌بی‌آی چه اقداماتی انجام داده است.